

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال چهارم، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۲ [پیاپی ۱۵]

صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه
مدیر مسئول: سیدمحمد خامنه‌ای
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خویی
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا
سر دبیر: حسین کلباسی اشتری
ویراستار فارسی: فاطمه محمد
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی
اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی
فتح‌الله مجتبیایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاي بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی(ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۰۲۱۵۳۳۲۱۰۴ اشتراک و فروش: ۰۲۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۰۲۱۵۳۴۹۴ نمایر: ۰۳۸۴۹۳۸۰۳

Email: siprin@mullasadra.org www..mullasadra.org

شاپا: ۹۵۸۹-۲۰۰۸

بر اساس ابلاغیه شماره ۳۱۸۷۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور. فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است این فصلنامه در پایگاه‌های Philosopher's Index و ISC نمایه میشود.

راهنمای تدوین مقاله

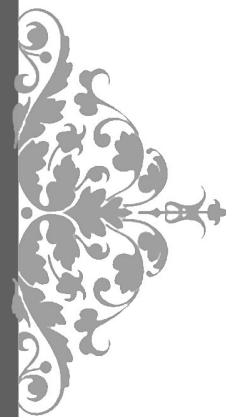
۱. فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد: به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی نوین باشد.
۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت شواهد و قواعد، استقبال مینماید.
۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه مجله نیست.
۵. مقالات برگردان از زبانهای خارجی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این مجله بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به مجله نیز هست و مجله حق دارد چنانچه لازم باشد نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال نمایند یا CD فایل مقاله را به همراه پرینت مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نامبر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک مجله ارسال میشوند، در بخش subject ایمیل «مربوط به مجله تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:
ویراستار علمی ← ۲ نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
۱۳. پیگیری نظر مجله درباره مقالات بر عهده مؤلف است.

شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیم با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی بهمان زبان اصلی باید ارائه شوند.



سخن سردبیر.....	۵
بررسی کتاب ایضاح الخیر المحض و تأثیر آن در تاریخ فلسفه اسلامی غلامحسین احمدی آهنگر.....	۹
حقیقت انسان و انسان حقیقی در اندیشه ابوالحسن عامری و صدرالدین شیرازی رضا رضازاده، حسن رهبر.....	۳۷
شناخت عقلی و شهودی انسان نسبت به احد واحد نسبت به خود و غیر خود در فلسفه افلوطین اسدالله حیدرپور کیائی.....	۵۹
ارتباط بین ارکان حکمت و حکومت آرمانی در اندیشه سهروردی با تطبیق بر آراء افلاطون سعید رحیمیان، طیبه زارعی.....	۷۷
مقام فلاسفه در تأویل قرآن از دیدگاه ابن رشد محمد سعیدی مهر، سیدعباس ذهبی، روح الله علیزاده.....	۹۹
تطور نظریه مقولات از ارسطو تا ابن سینا رضا رسولی شریبانی، پریرسا مهرخانی.....	۱۲۷
میراث اثیری؛ حیات و کارنامه اثیرالدین ابهری مهدی عظیمی.....	۱۵۱





تردیدی نیست که مقوله «زبان» نه تنها معرف فرهنگ اقوام و ملتها، بلکه مقوم و ضامن حیات آنهاست. از لوازم آن، توجه به مبادی، ساختار، ظرفیت و استعداد زبانی و البته مقدم بر آن، تصحیح برداشت و نگاه نادرست رایج نسبت به این مقوله است: زبان وسیله و ابزار نیست، آنهم ابزاری که بتوان آن را آزادانه در دست گرفت و مقصود خود را برآورده ساخت. زبان، جلوه ملفوظ و کلامی تفکر است و تفکر نیز اگر نه عین وجود، دست کم آینه‌یی است از ساحت وجود که لاجرم با سعه معنوی خود انسانها نسبت تام دارد. در اینجا، بحث درباره عرضه تعریف جامع و مانع «زبان» نیست؛ سخن بر سر تلقی نادرست از مقوله‌یی است که غالباً بمتابه وسیله و ابزار و حداکثر بعنوان نوعی واسطه از آن یاد میشود. دلایل این تلقی نادرست چند است:

نخست آنکه ابزار، شیء یا واسطه‌یی است بی‌جان، جامد و در نتیجه فاقد رشد و بالندگی. وسیله را میتوان همه جا برد و در اختیار هرکس قرار داد، در حالی که زبان، وجهی از حیات روحی انسان است که همانند صاحبش، زنده، پویا و دارای رشد - و برعکس، زوال و انحطاط - است. اصلاً مقدمه رشد و زبول تمدنها، نخست در زبان آن تمدن آشکار میشود، بدینصورت که از زایش، غنا، معانی و روح جاری در زبان میتوان به وضعیت صاحبان آن پی برد.

۵



دوم آنکه زبان، جا و مکان معینی ندارد، چه رسد به آنکه آن را قطعه‌یی در داخل دهان افراد بدانیم. زبان رونوشتی از حیات معنوی انسانهاست که با تمامیت وجودی آدمیان نسبت دارد و هرآنچه در آئینه روح و معنا و ضمیر انسان منعکس شود، صورت ملفوظ آن در زبان می‌آید.

سوم آنکه بدلیل ملازمت زبان با ساحت وجودی انسان، زبان نیز همان حرمت و مقامی را دارد که خلقت انسان از آن برخوردار است، تا جایی که در کلام وحی، پس از اشاره به خلقت انسان، تعلیم بیان و سخن به ساحت ربوبی نسبت داده شده است. «خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن/۳ و ۴). در سنت دینی ما، زبان چنان حرمتی دارد که کلید ثواب و عقاب اخروی در آن نهاده شده است و از معبر آن است که هدایت و ضلالت آشکار میشود.

سقراط حکیم در رساله *کراتیلوس*، به منشأ ازلی و آسمانی حروف و اسماء و وجه وجودی آن تأکید دارد و مخاطب خود را آگاه میسازد که اسم با مسمی مناسبتی حقیقی دارند نه اعتباری و قراردادی. شاید به همین دلیل است که برخی متفکران معاصر معتقدند از معبر *فقه اللغة* (ایمولوژی) میتوان به حقیقت اشیاء و اعیان پی برد، زیرا حسب آنچه که در کتاب خدا مبنی بر وحدت امت آدمیان آمده است «کان الناس أمة واحدة» (بقره/۲۱۳). زبان عطیه‌یی الوهی و آسمانی است و این منشأییت واحد برای اهل نظر، آفاق جدیدی را میگشاید که جا دارد تبیین و تقریر شود. بنابراین، با زبان معامله شیء و ابزار نمیتوان داشت و اگر هم واسطه‌یی برای تفهیم و تفاهم آدمیان قرار گرفته است، از مبادی و شأن آن نمیتوان غفلت کرد. بهمین جهت، علم و آگاهی نیز که در زبان آشکار میشود، نسبت ظاهر و مظهر را یادآوری میکند و اگر علم حرمتی دارد، نشانه و جلوه آن نیز از همان حکم برخوردار است.

اگر در فلسفه به زبان توجه و التفات خاصی صورت گرفته است، از قبیل همین وجه وجودی آن است و از همینروست که فیلسوفان و حکما در بهره‌گیری از زبان و واژگان، دقت و وسواس بخرج می‌دهند. امروزه شاهد برخی بیدقتیها در ادبیات و واژگان فلسفی در زبان فارسی هستیم و مشخصاً استعمال بیرویه و بعضاً ناآگاهانه از واژگان فرنگی در نوشته‌های فلسفی و شبه فلسفی، آفتی است که بر پیکر اینگونه نوشته‌ها نشسته است. برخی نوشته‌ها در قالب کتاب و مقاله فلسفی آنچنان است که خواننده تردید میکند این نوشته برای مخاطب فارسی زبان نگاشته شده یا فلان مخاطب اروپایی و فرنگی؟! حجم استعمال کلمات بیگانه در برخی نوشته‌ها بقدری است که نه تنها زبان و ادبیات فارسی را تحقیر میکند، بلکه اسباب سوءفهم و خطای خواننده یا خوانندگان را فراهم می‌سازد. باید پرسید واقعاً این چه رویه‌یی است که نوشته فارسی برای خواننده فارسی زبان، هیچ تناسبی با قالب و مهمتر از آن، روح حاکم بر این زبان ندارد؟ شاید نویسندگان اینگونه نوشته‌ها تعمدی هم نداشته باشند و حسب عادت به این آفت گرفتار شده باشند، ولی تبعات و زیانهای ناشی از این رویه نادرست، دقیقاً در پیکر فرهنگ ظاهر میشود و بعبارت دیگر، اینگونه نوشته‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، فرهنگ ملی و سنت فکری - عقلی ما را نشانه رفته است. کسی با کاربرد اصطلاح و واژگان تخصصی در جا و محل خود مخالفتی ندارد و ای بسا برخی کلمات خاص فرنگی، معادل مناسبی در زبان بومی نیافته باشند، در اینصورت نویسنده بخوبی میداند که از آن واژه در چه محدودی استفاده کند، ضمن آنکه دست‌کم در مورد اصطلاحات فلسفی، اکنون معادلهای مناسب گوناگونی وضع شده است که بخوبی افاده معنا کرده و مقصود را میرساند. کسانی که با این سخن هم‌داستانند میدانند که از وظایف اهل علم، یکی هم افزایش ظرفیتهای زبان ملی و

۷



قومی است و از اینرو، عالمان خود به وضع معادله‌های مناسب و شایسته برای کلمات بیگانه اهتمام میورزند، نه اینکه منفعلانه به اقتباس و استعمال صرف دل خوش دارند. آفت مذکور در قلمرو فلسفه، اغلب درباره مکاتب و نحله‌ها (ایسم‌ها) و گرایش‌های فکری قدیم و جدید بچشم میخورد و در حالی که برای این مکاتب، معادله‌های گویا و دقیقی وضع است، بازهم بعضاً شاهد استفاده از واژگان بیگانه در نوشته‌های فارسی هستیم. امید اینکه محققان و پژوهشگران و مترجمان گرانقدر ما بیش از پیش به این معنا التفات و اهتمام داشته و زبان عزیز فارسی را از گزند اینگونه آفتها دور سازند. «ایدون باد»

سردبیر